

## بنام خداوند یکتا

ای کریم انشاء الله بعنایت کریم در ظلّ سدره ربّ العالمین مستریح باشی و بفیوضات منزله از سماء فضل فائز ذکرت لدی العرش بوده و خواهد بود و این از اعظم عنایات الهیه محسوب ای کریم کمر خدمت را محکم کن که شاید نفوس ضعیفه از ذکر مالک بریه بکمال حب و قدرت قلبیه ظاهر شوند بشأنیکه دنیا و ما فیها آن نفوس را از حق منع نماید کل باخلاق الهیه در این ایام نورانیّه ظاهر شوند

ای کریم باده روحانیّه معنویّه آماده و ساقی احدیه موجود ولکن اکثر بریه ممنوع و محروم مشاهده میشوند حق بکمال ظهور ظاهر و خلق در نهایت اشتیاق مشتاق مع ذلک عشاق از معشوق محروم و در تیه فراق در احتراق لذا هادی و ناصح و معلّم لازم دارند تا بدانند که سبب منع چیست و علّت بعد چه بعضی از عباد بتعلیم محتاج نیستند ایشان بمنزله عیون مشاهده میشوند و عین را دیدن نباید آموخت و همچنین گوش را شنیدن چنینکه باعانت روح مفتوح شد خود مشاهده مینماید ولکن در کلّ احیان باید بطلعه رحمن پناه برد که مباد رمد و یا علّت اخری حادث شود و حایل گردد ایشانند عبادیکه بعد از ارتفاع ندا بافق اعلیّ توجه نموده‌اند و بشأنی مستقیمند که احدی قادر بر انحراف آن نفوس مطمئنّه از شطر احدیه نیست از سلسبیل بیان رحمن در کلّ احیان نوشیده و مینوشند و بکلمات الهیه مأنوس و مشتاقند و ما دون این نفوس بمواعظ حسنه و نصایح مشفقانه محتاج لذا باید احبای الهی بحکمت و بیان بر این امر خطیر اقدام نمایند بعضی را باقوال و بعضی را بافعال و اعمال و بعضی را باخلاق تبلیغ نمایند و بشطر احدیه کشانند اعمال حسنه و اخلاق روحانیّه بنفسها مبلّغ امرند بعضی از این محزون نباشند که عالم نیستند و کسب علوم ظاهره ننموده‌اند ملاحظه در زمان رسول نما که بعد از ظهور آن نیر اعظم جمیع علما و ادبا و حکما از آن شریعه عرفان رحمن محروم ماندند و ابوذر که راعی غنم بود بمجرّد اقبال بغنی متعال بحور حکمت و بیان از قلب و لسانش جاری و حال جمیع علما را نزد ذکرش خاضع مشاهده مینمائی و حال آنکه در اوّل امر احدی باو اعتنا نداشته تعالیّ القدیم ذو الفضل العظیم انه هو الحاکم علی ما اراد انه لهو المقنن القدیر لذا هر یک از احبای الهی که بافق باقی فی الحقیقه اقبال نمود باو افاضه میشود آنچه سبب هدایت بریه باشد بگو ای احبای من شما اطبای معنوی بوده و هستید باید بحول و قوه الهیه بدریاق اسم اعظم امراض باطنیه اُمم و رمد عیون اهل عالم را مداوا نمائید و شفا بخشید تا کل بشاطی بحر اعظم در ایام مالک قدم توجه نمایند لذا باید کل بقمیص امانت و رداء دیانت و شعاع صدق و راستی ظاهر و باطن خود را مزین نمایند تا سبب علو امر و تربیت خلق گردد

این ظهور از برای اجرای حدودات ظاهره نیامده چنانچه در بیان از قلم رحمن جاری بلکه لاجل ظهورات کمالیه در انفس انسانیّه و ارتقاء ارواحهم الی المقامات الباقیه و ما یصدقه عقولهم ظاهر و مشرق شده تا آنکه کل فوق ملک و ملکوت مشی نمایند عمری لو اخرق الحجاب فی هذا المقام لتطیرن الارواح الی ساحة ربک فائق الاصباح ولکن چون بحکمت امر نمودیم لذا بعضی از مقامات را مستور داشتیم تا جذب مختار زمام اختیار را اخذ نمایند و کل باداب ظاهره ما بین بریه مشی نمایند و سبب هدایت ناس شوند بعضی عقول شاید که بعضی حدودات مذکوره در کتب الهیه را لاجل عدم اطلاع بر مصالح مکنونه در آن تصدیق ننمایند ولکن آنچه از قلم قدم در این ظهور اعظم در اجتماع و اتحاد و اخلاق و آداب و اشتغال بما یتفیع به الناس جاری شده احدی انکار ننموده و مینماید مگر آنکه بالمره از عقل محروم باشد اگر احبای الهی بطراز امانت و صدق و راستی مزین نباشند ضررش بخود آن نفوس و جمیع ناس راجع اولاً آن نفوس ابداً محلّ امانت کلمه الهیه و اسرار

مکنونه رباتیه نخواهند شد و ثانی سبب ضلالت و اعراض ناس بوده و خواهند بود و عن وراثتهما قهر الله و غضبه و عذاب الله و سخطه

ای کریم ندای رحمانی را از قلم روحانی بلسان پارسی بشنو لعمری انه یجذبک الی مقام لا تری فی الملک الا تجلیات هذا الامر الذی اشرق من افق الطاف ربک العظیم الحکیم اگر جمیع بریه حجبات مانعه را خرق نمایند و صریر قلم اعلی را که در بقعه نورا باذن مالک اسما مرتفعست اصغا کنند کل بجان بشطر رحمن توجه نمایند قد منعتم اهواتهم و هم الیوم منصعقون ای کریم شمس کلمه الهیه که از مشرق اراده مشرق و طالع شد هر صاحب بصری ادراک آن مینماید و آن کلمه بمثابة شمس ظاهره روشن و مضمی است ما بین کلمات عالمین الیوم یومی نیست که قلم اعلی باین اذکار مشغول شود ینبغی لکل نفس فی هذا الیوم اذا سمع النداء من الافق الاعلی یدع الوری عن وراه یقوم بحول الله مقبلاً الی مولاہ و یقول لیبک یا محبوب من فی السموات و الارضین لسان رحمن در روضه بیان باین کلمه مبارکه ناطق میفرماید لا زال ذکر آن نیر اعظم لا اله الا انا ان یا خلقی ایای فاعبدون بوده و خواهد بود و آنچه در این مقامات از قلم مبدع اسما و صفات جاری شده نظر برحمت سابقه بوده که جمیع ممکنات را احاطه فرموده که شاید اهل امکان از کوثر حیوان که از یمین رحمت رحمن جاریست محروم نمانند انه لهو الغفور الرحیم بعد الذی کان غنیاً عن العالمین

بعضی از اهل فرقان و بیان که در عقبه وقوف و یا عقبه ارتباب و امثال آن توقف نموده اند این نظر بنوهماتیست که از قبل ما بین قوم بوده بگو ای عباد امروز روزیست که باید خرق جمیع احجاب نمائید و جمیع اوهام را محو کنید و بکمال اقبال بافق جمال قلباً توجه نمائید چه که سیل رجل بما اکتسبت ایدی الظالمین ممنوع شده و بامری جز بما ظهر من الظهور ناظر نباشید چه که ما بین ناس کلمات موهومه لا یغنیه بسیار و همان موهومات بعضی از اهل بیان را از نیر رحمن که از افق امکان طالع شده منع نموده و محروم ساخته و آن نفوس بغایت بی درایت و عقل مشاهده میشوند بگو ای گمگشتگان وادی ضلالت کدام یک از موهومات محققه نزد شما صدق بوده و رایحه صدق از او استشمام نموده اید لا ونفسی الحق کلها رجعت الی حقایقکم الموهومه و بقی الامر لله المهیمن القیوم

هزار سنه او ازید نفس موهومی را در شهر موهوم با جمعی از نسا و اولاد مقرر داده بودید و بان اوهام معتکف تفکر نما که در آن الف سنه بچه متمسک بودند فوالذی انطقنی بالحق قلم شرم مینماید از ذکر آن نفوس موهومه محتجبه آنچه در ذکر آن نیر اعظم یعنی قائم ما بین آن قوم بوده حرفی از آن تحقق نداشته و عند الله مذکور نبوده چنانچه بعد از ظهور بر کل معلوم و مبرهن شد این یکی از موهومات آن نفوس بوده بعد از آنکه ید قدرت الهیه خرق حجاب نمود بعضی مطلع شدند و همچنین موهومات دیگر که ما بین آن قوم است و تا حال خرق نشده باید بهمان قسم مشاهده نمایند عسی الله ان یخرقها لمن یشاء صدر ممرّد و قلب منیر باید مقدساً عن کلّ الاشارات و الکلمات بشطر امر توجه نماید بگو الیوم یوم ریب و ارتباب نیست ان اخرقوها بنار کلمه ربکم العزیز الوهاب

ای احبای من آخر بیصر انصاف مشاهده نمائید این مظلوم در فم ثعبان و در جمیع احیان بلایائی بر او وارد که احدی غیر الله مطلع نه و نفسش را انفاق نموده که شاید از افق انقطاع طالع شوید تا ممالک ابداع و اختراع از شما روشن و منیر گردد قدر خود را بدانید و از اموراتیکه سبب تضحیح امر شود ما بین ناس احتراز نمائید قل یا لیت عرفتم تموجات هذا البحر و ما ستر فیه من لئالی حکم ربکم العزیز الحمید

ای کریم اگرچه تغنیات قلم اعلی را انتها نه ولكن بلحن دیگر توجه نمودیم سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی به نزلت امطار رحمتک و ظهرت آیات قدرتک و طلعت شمس مشیتک و احاطت رحمتک من فی ارضک و سماتک بان تلبس الذینهم آمنوا اثواب الامانه و الانقطاع ثم اجذبهم الی مطلع الذی منه

اشرقت شمس الامتناع ليظهر بهم تقديس امرک بين عبادک و تنزيه احکامک في مملکتک ای ربّ انت الغنيّ و هم الفقراء لا تأخذهم بما غفلوا فارحمهم ثم اغفر لهم لانّهم حملوا الشدايد في سبيلک ان غفلوا عن بعض اوامرک ولكن سرعوا بقلوبهم و ارجلهم اليک لا تنظر الي خطيئاتهم فانظر الي انوار التي اشرقت من آفاق قلوبهم و بلايا التي وردت عليهم في سبيلک ثم ايدهم بعد ذلك علي ما يرتفع به اعلام امرک في بلادک و رايات عظمتک في ديارک انّک انت المقتدر علي ما تشاء في قبضتک ملکوت الانشاء لا اله الا انت المتعالی المهيمن العليّ العظيم

ای کریم وصایای الهیّه را از برای هر نفسی ذکر نمائید و تلاوت کنید که شاید بما اراد الله عامل شوند ذکر من قبلی من معک من کلّ اناث و ذکور قل لک الحمد یا ربّي العزيز الغفور

---

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) داناورد شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۲ مه ۲۰۲۴، ساعت ۶:۰۰ بعد از ظهر